

## ارزیابی کارایی تعاونیهای تولید در ارتباط با توسعه اقتصادی

نویسنده: دکتر شریف آزاده\*

### چکیده

تأسیس وزارت تعاون و نقشی که این وزارتخانه می‌تواند داشته باشد، زمینه‌ای را فراهم ساخته است که صاحب‌نظران علوم مختلف انسانی مخصوصاً اقتصاد در این باره به بحث و بررسی بپردازند. این مسأله از دو جهت دارای اهمیت خاص است. اولاً قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخش تعاونی را یکی از بخشهای فعالیت اقتصادی جامعه اسلامی دانسته و بنابراین اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شده است. ثانیاً برخوردهای متفاوتی نسبت به تعاونیها، نه تنها در کشورمان، بلکه در همه ممالک وجود دارد. علاوه بر آن در ادبیات اقتصادی، کمتر به نقش توسعه تعاونیها توسعه اقتصادی اشاره‌ای شده است.

از یک دید کلی، عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی بسیار متعدد بوده و علم توسعه را می‌توان جزء علوم بین‌رشته‌ای دانست. از این نظر، تعاونی نیز می‌تواند بعنوان ابزار و یا هدف توسعه مورد توجه قرار گیرد.

این مقاله سعی دارد به اختصار، جایگاه تعاونی در توسعه اقتصادی را بررسی کند.

### نقش تعاونیها در توسعه اقتصادی

تعاونیها تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه جهان سوم گسترش یافته‌اند و در اغلب این

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

از جهت نظری ممکن است برای یک هدف مشخص کارآ تشخیص داده شود، می‌تواند نسبت به هدف دیگری یک اشتباه بحساب آید. مسأله کارایی، می‌تواند به منزله مسأله هدفها و مقاصد تلقی شود که لازم است مستقیماً یا از طریق تعاونها بدانها رسید.

این امر ما را به طرح سؤال دیگری می‌کشانند که چه کسی هدفها و مقاصد تعاونها را معین می‌کند؟ جواب متعارف، این است که اعضای تعاونها چنین وظیفه‌ای را به عهده دارند. ولی آیا این جواب برای کشورهای جهان سوم که در آن مردم و اعضای تعاونی در مرحله‌ای از تولید قرار دارند که می‌بایستی برنامه‌ها کم و بیش هماهنگ شده و یا حتی توسط مقامات مسؤول، رهبری شوند اعتبار دارد؟ این سؤال، بخوبی وضع خاص تعاونها را در ممالک در حال توسعه روشن می‌کند. همچنین، این دلیلی است که بخاطر آن، باید کارایی تعاونها در شرایط خاص این ممالک بررسی شود.

### دوگانه اندیشی در سیاست توسعه تعاونها

در کشورهای در حال توسعه، تعاونها در ارتباط با دو گروه هستند. از طرفی اعضا و رهبران نهضت‌های تعاونی و از سوی دیگر، مقامات مسؤول سیاست توسعه اقتصادی کشور. تعاونها و فعالیتهای آنها سبب می‌شود که در میان این دو گروه، انتظاراتی بوجود آید.

هدفهای اعضای تعاونی می‌تواند متعدد باشد اما تنها فعالیتهای عقلایی رسیدن به هدف‌های فوق

ممالک، تعاونها در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی دولتها در زمره اهداف نسبتاً وسیعی قرار دارند.

قضاوتها درباره میزان تأثیر تعاونها در توسعه اقتصادی بسیار متفاوتند. بعضی دلگرم کننده و بقیه شدیداً ناامید کننده هستند و غالباً با شک و بدبینی ابراز می‌شوند. همه ابهاماتی که در مورد تعاونها وجود دارد، به این امر مربوط می‌شود که یک توافق عمومی درباره مفهوم کارایی تعاونها وجود ندارد. این ابهام هنگامی آشکار شد که در کنفرانس بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۶۹ پرشی درباره کارایی تعاونها مطرح گردید. این سؤال نه تنها مسأله «فن ارزیابی» بلکه بیش از آن، کیفیت ارزیابی را مطرح می‌کرد. در این باره سؤالات زیادی، مانند موضوع عبارت از چه نوع کارایی است؟ چه معیارهایی مشخصات قابل قبول کارایی را تعیین می‌کنند و چه نوع توسعه تعاونها کارآ خواهند بود؟ مطرح هستند. از این رو، عملاً امکان دارد که بعضی از اثرات تعاونها را روی وضع اعضا تخمین زد و یا اندازه‌گیری کرد ولی در عین حال این سؤال مطرح می‌شود که باید دانست آیا این نتایج، خصوصاً از دید توسعه عمومی کشور و یا سیاست دولت، مطلوب می‌باشند؟

تمام قضاوت‌های گوناگونی که ممکن است درباره تعاونها صورت گیرد بوضوح به برخوردهای مختلف با مسائل توسعه، یا به عبارت دیگر به مفاهیم متفاوت از توسعه که از نظر هدفها و مقاصد یکسان نیستند مربوط می‌شود. زیرا آنچه

را امکان پذیر می کنند. این امر، طبیعت «وسیله بودن» تعاونی را بخوبی روشن می سازد. در این ارتباط، به نفع اعضای تعاونی و مدیران آنها است که بر اساس هدفهایی که باید به آنها دست یابند، تعاونیها و مؤسسات وابسته را در سطوح مختلف توسعه دهند. بنابراین می توان از یک «سیاست خرد» توسعه تعاونی صحبت کرد.

با همه اینها، در یک اقتصاد در حال توسعه، رفتار گروههای بزرگ اجتماعی که هدفهای مشخصی را تعقیب می کنند نمی تواند نسبت به سیاست توسعه دولت، بی تفاوت باشد.

از این نظر، تعاون به منزله «فن عمل» که بر مبنای اصل کمک متقابل تشکیل یافته بعنوان عنصر اساسی تجمع افراد، خصوصاً در جامعه روستایی در حال تحول اهمیت فراوانی برای اشاعه روشها و فنون جدید و سازمان دادن نظام تازه روابط اقتصادی پیدا می کند.

در چنین شرایطی، وجود تعاونیها، بخصوص در مناطق روستایی، به یک عنصر مساعد برای توسعه ملی و به یکی از عوامل مهم در برنامه های مملکتی مبدل می شود.

بنابراین می توان از یک «سیاست کلان» توسعه تعاونی صحبت کرد.

با توجه به این مشخصه که تعاونیهای کشورهای در حال توسعه، هم توسط گروههای مردمی و هم از طریق برنامه های ملی توسعه می توانند بوجود آیند، یک نوع دوگانه اندیشی در زمینه توسعه تعاونی آشکار می شود که زمینه های کم و بیش مساعد توسعه اقتصادی را نیز فراهم

می سازد.

در این ارتباط می توان سه روش را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- تعاونی که اغلب به ابتکار مردم بوجود می آید، در مورد آنچه مربوط به فعالیتهای تعاونی است با سیاست توسعه منطقه ای و ملی، هماهنگ می شود. این امر با قرار گرفتن هدفهای بنیانی گروههای تعاونی در جهت اهداف عالی توسعه مملکتی وضعیت مطلوبی بوجود می آورد.

۲- گاهی گروههای محلی و یا حتی سازمانهای تعاونی منطقه ای، بدون بهره برداری از حمایت دولت و سیاست ملی توسعه، به فعالیتهای تعاونی می پردازند.

این امر ممکن است به علت نداشتن نفع یا عدم اطلاع باشد.

۳- وضع معکوس نیز بخوبی شناخته شده است. مقامات مسؤول، از برنامه های توسعه تعاونی بدون آنکه فعالیتهای تعاونی نفعی برای مردم داشته باشد، حمایت می کنند.

در چنین شرایطی، یا دیدگاههای سیاسی موجود با سنت های مردمی هماهنگ و همراه نیستند و یا اطلاعات کافی در دسترس برنامه ریزان قرار ندارد در چنین حالتی ساخت عملی تعاونیها نمی تواند کارآیی کافی را داشته باشد.

مثالهای متعدد از این سه حالت در کشورهای مختلف و مناطق در حال توسعه نشان می دهد که کلید توسعه تعاونیها در گرو هماهنگ کردن

تلفیق یافته بود. بنابراین می‌توان برخی از این بینشها را بعنوان عوامل تشکیل دهنده یک ایدئولوژی تعاونی به حساب آورد.

### خصوصیات تعاونی

به نظر می‌رسد لازم نیست که در مورد کارایی تعاونیهای ممالک جهان سوم، بر مبنای یک نمونه نظری یا مجردی که کاملاً تعریف شده باشد، تحقیقی انجام داد. بلکه تعاونی باید بعنوان یک پدیده حقیقی که دارای مشخصات و فعالیتهای خاص می‌باشد به صورت گسترده‌ای مورد بررسی قرار گیرد، ولی به منظور مشخص کردن موضوع از سایر پدیده‌های مشابه (سایر گروههای اجتماعی) بعنوان ضابطه، چهار مشخصه تعاونیها را با گذار از برجسته‌ترین ویژگیهای عام به موضوعات اختصاصی‌تر، ذکر می‌نمائیم:

۱- اولین مشخصه تعاونی، تجمع افرادی است که حداقل از طریق یک نفع جمعی متشکل شده‌اند. چنین گروهی روابط بسیاری با سایر گروههای اجتماعی دارد. معذالک، این امر وجود بعضی مقدمات مربوط به انگیزه شخصی اعضاء و امکانات فعالیتشان را ایجاب می‌کند.

۲- دومین مشخصه تعاونی، فعالیت گروهها در تعقیب هدفها و مقاصد عمومی است که می‌توانند مذهبی، انسانی، بر محور اصلاحات اجتماعی و غیره باشند. این نوع همکاری متقابل را می‌توان در سایر مؤسسات نیز مشاهده کرد ولی تعاونیها کوشش دارند از طریق بهبود وضع اقتصادی اعضاء خویش به اهداف خود برسند لذا

گروههای تعاونی با اهداف توسعه منطقه‌ای و ملی و همچنین انطباق برنامه‌های گسترش تعاونی با فعالیتهای و امکانات عملی اعضاء تعاونیها است. از این راه می‌توان بر مسأله دوگانه اندیشی، فائق آمد.

### برداشتهای مختلف علمی از موضوع تعاونی

با توجه به وجود تنوع در پدیده تعاونی از یک طرف و نارسایی تعاریف حقوقی از سوی دیگر، یک تعریف اساسی از تعاونی، از نقطه نظر اجتماعی - اقتصادی لازم است. کارایی عملیاتی تعاونیها نمی‌تواند محقق شود مگر آنکه حداقل بدانیم که تعاونی چیست.

از اوایل تاریخ تعاونی جدید در قرن نوزدهم، تعدادی تعریف از تعاونی و یا اهداف آنها که بر مفاهیم مختلف مبتنی بوده پیشنهاد شده است.

در همه این تعاریف، تعاونیها مانند گروههایی از افراد تصور می‌شوند که تصمیم دارند از طریق فعالیت اقتصادی جمعی به بعضی از مقاصد عام عالی یا اهداف عملیاتی عینی برسند.

بر مبنای این بنیان اساسی، روشهای مختلفی که از یکدیگر قابل تفکیک بودند اتخاذ شد که پس از طرح شدن، به مفاهیم کلی نظام تعاونی انجامید. بعضی از این مفاهیم، به جنبه نظری تعاونیها توجه داشتند و بقیه بر بعد کاربرد عملی برنامه‌های تعاونی تأکید می‌ورزیدند. از زاویه دید هدفهای ابتدایی پیشتازان نهضت تعاونی، در تمام این حالات، عوامل تأسیساتی و سازمانی و اجتماعی، با ارزشهای اخلاقی و عقاید فلسفی

«سیاست خرد» و «سیاست کلان» توسعه تعاونی، اجازه می‌دهد که قضاوت مشخصی روی کارآیی تعاونیها در جریان توسعه، بعمل آید. ولی باید پذیرفت که در کشورهای جهان سوم، تعاونی از نقطه نظر تئوری سازمانی معرف یک سیستم قابل انعطاف در متن نظام اقتصادی کشور در حال توسعه می‌باشد. بنابراین امکان موفقیت هر نوع فعالیت تعاونی توسط محدودیتهایی که از طرف محیط اقتصادی و اجتماعی به آن تحمیل می‌شود، معین می‌گردد. این امر، در هر نوع سیستم اقتصادی واقعیت دارد ولی در ممالک جهان سوم بیش از ممالک صنعتی خودنمایی می‌کند.

البته، این رابطه بیشتر به بنیانهای اقتصادی - اجتماعی هر کشور و جهت گیری دولت آن مربوط می‌شود، لذا باید ابتدا روابطی را بررسی کرد که می‌توانند بین سیاست توسعه ملی دولت و فعالیتهای تعاونیها وجود داشته باشند.

#### هدفهای عمومی توسعه اجتماعی - اقتصادی

مشخصه عام در تمام کشورهای جهان سوم این است که آنها حرکت خود را از یک اقتصاد زراعی آغاز می‌کنند و اکثریت بزرگی از مردم در شرایط ایستای اجتماعی متکی بر سنتها، در بخش کشاورزی خود کفایی که در آن روشها و وسایل ابتدایی به کار گرفته می‌شود، فعالیت می‌کنند. در طول اولین مرحله توسعه اقتصادی - اجتماعی، تولید، توزیع و حتی مصرف توسط بنیانها و قواعد اجتماعی موجود صورت می‌گیرد. این امر اهمیت بسیار زیاد شرایط اجتماعی را در روند تغییرات

این مشخصه، تعاونیها را از باشگاههای ورزشی و یا تأسیساتی با هدفهای اجتماعی که فعالیتهای آنها اقتصادی نیست متمایز می‌سازد.

۳- سومین مشخصه، وجود یک سازمان اقتصادی دائمی است که بوسیله اعضای تعاونی بعنوان وسیله‌ای به کار می‌رود که می‌تواند مانند تمام واحدهای اقتصادی دائمی ایجاد و حفظ شود و عرضه کننده خدمات بازرگانی یا تولید محصولات کشاورزی، کارهای دستی و صنعتی باشد. لذا این سازمان اقتصادی جمعی، یک تأسیس تعاونی یا یک واحد اقتصادی تعاونی نامیده می‌شود.

۴- چهارمین مشخصه، عبارت است از تدارک خدمات خاص بین سازمان تعاونی و منافع اقتصادی اعضای آن که این رابطه در فرمولی بیان شده است که «مراقبت در افزایش رفاه اعضاء» را به تعاونی سپرده است. این روابط خاص، تعاونیها را از سایر مؤسساتی که دارای فعالیتهای اقتصادی هستند، مستثنی می‌کند.

عملاً سازمان تعاونی نمی‌تواند مستقل از اعضای خود که نیازهای اقتصادی‌شان، فعالیت اعضای خود که نیازهای اقتصادی ایشان، فعالیت تعاونی را مشخص می‌نمایند عمل کند. از این فعالیتهای مجموعه سازمانی وسیع تری بوجود می‌آید که از بهره‌برداریهای اقتصادی اعضاء و سازمان تعاونی ترکیب یافته است.

کارآیی تعاونی در مقابل هدفهای توسعه اقتصادی و اجتماعی همانطور که قبلاً گفته شد، تنها هماهنگی

اقتصادی آشکار می‌سازد.

تعداد زیادی از نظریه پردازان اقتصادی، مدل‌های اقتصادی مبتنی بر مجموعه شرایط اجتماعی را تهیه کرده‌اند ولی روند موجود در ممالک جهان سوم نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن تغییرات اجتماعی مربوط به تولید اقتصادی و رشد، قابل تصور باشد. بسیاری از تغییرات و پیشرفت‌های اقتصادی لازم و مطلوب، بدون ایجاد تغییرات در بنیادهای اجتماعی و وسایل ارتباطی غیر ممکن است. بنابراین، توسعه اقتصادی نمی‌تواند فقط بوسیله تحولات ساده در رابطه‌ای کمی بین سرمایه‌گذاری‌های نیروی انسانی و مالی به انجام رسد. برعکس، سرمایه‌گذاری بیشتر مالی، تنها بعد از تغییرات بنیادین و عادات اجتماعی، و پس از بهره بردن از یک تشکیلات حرفه‌ای مفید خواهند بود تا افراد رفتار خود را با نیازهای کیفی جدید توسعه، هماهنگ کنند. این پیچیدگی توسعه، که به شرایط اقتصادی، فنی و اجتماعی و همچنین به محدودیت‌های خاص طبیعی بستگی دارد، خصوصاً در کشاورزی ممالک در حال توسعه روشن است بنابراین تعجبی ندارد که به کار گرفتن یک سیاست کشاورزی، در طول اولین دوره توسعه، از دیدگاه‌های متعدد مورد بحث فراوان قرار گرفته است.

با توجه به پیچیدگی دیدگاهها و عواملی که می‌بایستی برای توسعه کشاورزی در نظر گرفت و با در نظر گرفتن تعداد زیادی از سازمانهایی که دارای قدرت تصمیم‌گیری هستند و در این جریان شرکت دارند (وزارتخانه‌های مختلف، سازمانهای

بین‌المللی، مؤسسات خصوصی و تعاونیها، مدیران واحدهای تولید و اقتصاددانان) لازم است ارجحیت‌ها را برای اهداف مختلف توسعه، مشخص کرد.

برنامه‌های مختلف به ما نشان می‌دهد که تعدادی از اهداف می‌توانند بنحوی مطلوب‌تر، از طریق تعاونیهای کشاورزی تعقیب شوند و به نتیجه برسند. دانستن پاسخ این سؤال که چگونه می‌توان به مجموعه این هدفها رسید موضوعی اساسی است که به حدود کارآیی تعاونیها مربوط می‌شود.

کارآیی، به معنی بهترین تصمیمات عملی مربوط به فعالیتهای تعاونیها است ولی این «بهترین تصمیمات» نمی‌تواند بدون وجود یک نظام روشن هدفها، اتخاذ شود. از سوی دیگر، هنگامی که با تعدادی از هدفها سروکار داریم، باید مشخص کنیم که این هدفها نسبت به یکدیگر چه وضعیتی دارند. یعنی از نوع تکمیلی یا رقابتی هستند یا اینکه نسبت به یکدیگر خنثی می‌باشند.

بنابراین روشن می‌گردد کسانی که مأمور تدوین سیاست توسعه تعاونی هستند، باید روابط مختلفی را که ممکن است بین هدفها برقرار باشد، در نظر بگیرند.

غالباً در عمل دیده می‌شود که هدفها و مقاصد رقابتی و حتی ناموافق، انتخاب و توصیه می‌شوند.

اما بدیهی است که هیچ سازمان تعاونی نمی‌تواند این هدفها را بطور همزمان و بدون تعیین اولویت تعقیب کند، مگر آنکه با در نظر گرفتن اولویتها، هدفهای خاصی که دارای روابط مستقیمی

می شود، بلکه شامل سیستم و وسایل ارتباطی، مدارس، مراکز تعلیمات و مانند آن نیز هست.

۳- اصلاح بنیادهای اجتماعی - اقتصادی: این امر مستلزم ایجاد نهادهای قضایی و تأسیسات لازم برای یک اقتصاد جدید می باشد.

۴- بهبود بنیادهای تولید: در مرحله اول، باید واحدهای جدید تولید برای تکمیل و جایگزینی وسایل موجود به کار افتند. این امر باید متضمن یک برنامه ریزی عمومی برای احداث واحدهای صنعتی در مناطق روستایی و یا نیمه روستایی جهت پرهیز از بیکاری باشد.

با این همه، از زاویه دید مالی، این اهداف تغییرات قبلی اقتصادی مربوط به درآمد را ایجاب می کنند:

۱- درآمد سرانه: نه تنها به معنی آمار ری بلکه از نظر توزیع نیز باید بهبود یابد. درآمدها باید از طریق افزایش درآمدهای عمومی مردم و در نتیجه قدرت خرید آنها بهبود یابد.

۲- درآمدهای مالیاتی برای پوشش هزینه های اداری افزایش یابد.

۳- صادرات باید ارزش خارجی لازم را برای پرداخت واردات وسایل و ابزار فنی، فراهم آورد.

از طرف دیگر در سطح اقتصاد ملی، نمی توان به این اهداف رسید مگر آنکه سایر شرایط مخصوصاً موارد زیر به اجرا درآمده باشد:

الف - اشتغال افزایش یابد و تثبیت شود و از این طریق بیکاری از بین برود.

ب - محصولات جدید داخلی جایگزین بعضی واردات شود.

با یکدیگر باشند، انتخاب شوند.

بر این اساس، همانطور که اغلب رهبران سیاسی تأکید می کنند، روشن است که نمی توان توسط مردمی که مبتلا به بد غذایی هستند و در شرایط ابتدایی مناطق روستایی زندگی می کنند، تعداد زیادی حرکت را با موفقیت به کار گرفت. به همین دلیل، شرایط بهتر زندگی فردی لازم می باشد. این امر مخصوصاً برای قسمت بزرگی از جمعیت افریقا، آسیا و همچنین برای گروههای اجتماعی نامساعد امریکای لاتین، دارای اهمیت فراوانی است.

بهبود سطح زندگی، متضمن دو هدف بسیار مهم است:

الف - بهبود وضع غذایی (بخصوص در مورد آنچه که مربوط به مصرف پروتئین حیوانی است).

ب - مدرنیزه کردن شرایط زندگی در ارتباط با فنون تولید و برنامه های اجتماعی.

این اهداف که مربوط به بهبود شرایط زندگی است، بعنوان شرط قبلی ایجاد قدرت خرید برای مردم، درآمد مستمر بالاتری را ایجاب می کند.

از نظر سیاست توسعه، لازم است روی بعضی نیازهای اجتماعی - اقتصادی تأکید ورزید:

۱- بهبود وضع بهداشت: این امر شامل خدمات بهداشت عمومی بیمارستانها و همچنین مبارزه علیه بیماریهای واگیر و تدابیر مختلف پیشگیری می باشد.

۲- بهبود زیر بناهای فنی و فرهنگی: این امر نه تنها شامل راهها و وسایل حمل و نقل

جدیدی هم در آنان بوجود آید. همین مسأله است که اهمیت نهضت تعاونی را در ممالک توسعه نیافته مطرح می کند.

تعاون به عنوان هدف و یا وسیله سیاست توسعه اگر دیده می شود که امروزه توسعه تعاونی در برخی از ممالک رو به رشد به طرز جدی دنبال می شود، مقصود اینست که از این طریق، نه تنها شیوه های تولید مدرنیزه شوند، بلکه نوعی نظام اجتماعی جدید نیز برقرار گردد. مثلاً نظریه دولت هندوستان اینست که گسترش نهضت تعاونی در این کشور، نه فقط در حکم هدف یک سیاست توسعه و به مفهوم خاص هندی است، بلکه تعاون در عین حال باید وسیله ای باشد برای تحقق بخشیدن به اشاعه کار جمعی در جهت ارتقای سطح زندگی و دانش مردم.

خصلت وسیله بودن تعاون در اجرای سیاست توسعه، بیشتر از این جهت است که ایجاد بخش تعاون در صحنه اقتصاد، در واقع بعنوان ابزاری برای ایجاد سرعت در توسعه و رشد اقتصادی است. زیرا هدف نهایی کشورهای در حال توسعه این است که حتی الامکان به رشدی سریع و مطمئن نایل گردند و بدیهی است که استفاده از وسایل لازم نمی تواند تنها به تعاون برای رسیدن به این منظور محدود گردد، بلکه اقدامات و تدابیر دیگری نیز ضروری است، زیرا تأثیر تعاونیها در توسعه برخی از بخشهای اقتصادی، عملاً بسیار اندک است و تبدیل این بخشها به سیستم تعاونی ممکن است در عمل به فلج شدن اقتصاد ملی،

ج - صادرات افزایش یابد. (این دو شرط اخیر برای بدست آوردن ارزشهای خارجی، اساسی است).

بطوریکه پیش از این گفته شد، در اغلب ممالک، تعاونیها هدف برنامه های نسبتاً وسیعی را تشکیل می دهند که در ارتباط با سیاست توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت ها هستند.

بنابراین، در کشورهای جهان سوم، تعاون به عنوان هدف و یا وسیله توسعه اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است. البته با توجه به اینکه الگوهای رشد، تقلیدی است از تجارب ممالک صنعتی و پیشرفته و در تهیه آنها شرایط متنوع و متفاوت کشورهای جهان سوم کمتر مورد توجه بوده است، بعید بنظر می رسد که این الگوها بتوانند در ممالک در حال توسعه نیز مورد استفاده قرار گیرند.

آنچه که در ممالک جهان سوم در چهارچوب برنامه های توسعه اقتصادی و با پیروی از یک الگوی خاص، سرمایه گذاری می شود، به دلیل شرایط و امکانات موجود در این ممالک، عملاً یک نتیجه مطلوب اقتصادی حاصل نمی گردد. این مسائل و واقعیت ها نشان می دهد که هر نوع برنامه ریزی، «از بالا» باید الزاماً با تجدید نظر در ساخت سنتی موجود «از پایین» توأم باشد تا در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، با موفقیت روبه رو شوند. برای رسیدن به این کامروایی، لازم است ساخت اقتصادی بر مبنای جدیدی استوار گردد و از طریق آموزش طبقات مختلف اجتماع و گسترش سطح دانش و معلومات مردم، طرز فکر



منجر شود.

توسعه خود استفاده کرد در حالیکه مبتکر ایجاد شکلهای جدید و پیشرفته تعاونیها در ممالک در حال توسعه، دولت بود بدون آنکه زمینههای مساعدی برای ایجاد اینگونه تشکیلات فراهم باشد.

بنابراین، سازمانهای تعاونی جدید در ممالک در حال توسعه را باید بعنوان نوعی کالای وارداتی از کشورهای صنعتی تلقی کرد.

تعاون در کشورهای صنعتی در حقیقت واکنشی در مقابل سیستم اجتماعی - اقتصادی در آن کشورها بود. یعنی نظامی که جدایی بین سرمایه و نیروهای مولد را باعث گردیده بود و از آنجائیکه شرکتهای تعاونی اروپا در چنین شرایطی پا به عرصه وجود گذاشتند، خود را با این سیستم متناسب کردند و در آن توانستند نفوذ کنند و به موفقیتهای بزرگی دست یابند. بر عکس در شرایط سنتی تولید در ممالک جهان سوم، تعاون مجبور شد خود را با شرایط نامطلوب اقتصادی این کشورها هماهنگ سازد. به عبارت دیگر، وسیلهای شود برای از بین بردن شرایط نامطلوب مادی موجود در این ممالک. تعاون در ممالک صنعتی، بیشتر در خدمت مقاصد اقتصادی است در صورتی که شرکتهای تعاونی در کشورهای جهان سوم، ملزم به اعمال وظایف متعددی هستند که بیش از همه می توان از وظایف اجتماعی و تربیتی آنها در این ممالک نام برد.

### وظایف اقتصادی تعاونیها

هدف سیاست توسعه اقتصادی، پیش از همه

### وضع فعلی نهضت تعاون در ممالک جهان سوم

گرچه غالب کشورهای جهان سوم، جزء ممالک مستعمره سابق بوده اند و نهضت تعاون در آنها بر پایه تعاون در کشور استعمارگر پایه گذاری شده، ولی سیر تکامل تعاون در این کشورها، متناسب با وضع اجتماعی و اقتصادی آنها، راههای متفاوتی را پیموده است. در برخی جاها نهضت تعاون بر اساس تشکیلات تکامل یافته موجود در ممالک اروپایی پایه گذاری شده و در برخی دیگر، با توجه به ساخت اجتماعی و اقتصادی، انواع خاصی از تعاونیها ایجاد گردیده است. یعنی توسعه تعاون در این ممالک، بیشتر شامل آن دسته از شرکتهایی بوده است که به بهترین وجه، توانسته اند نیازمندیهای اجتماعی و اقتصادی اهالی را برطرف کنند و به همین دلیل طبیعی بود که برخلاف کشورهای پیشرفته که در آنها شرکتهای تعاونی مصرف کنندگان توسعه فراوانی یافته، در ممالک جهان سوم شرکتهایی از نوع تولید یا اعتبار از گسترش بیشتری برخوردار شوند.

### وظایف کلی تعاونیها در ممالک جهان سوم

در کشورهای صنعتی، ایجاد شکلهای جدید و پیشرفته سازمانهای تعاونی واکنشی بود در مقابل نیروهای سرمایه دار و در این ممالک تعاونی از همان اصول و تدابیر آزادی فعالیتهای اقتصادی حاکم بر جوامع صنعتی برای گسترش و

معطوف به افزایش تولید ملی است و به همین دلیل باید هر نوع اقدامی که در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی انجام می‌شود، بدواً متوجه رسیدن به این هدف باشد.

قبل از اینکه به اهمیت وظایف اقتصادی شرکت‌های تعاونی اشاره شود، لازم است یادآوری گردد که محور اصلی هر نوع تحلیلی در این زمینه، عبارت است از تعیین سهم شرکت‌های تعاونی تولید. نوع و حجم تولید در اقتصاد ملی یک جامعه، نه فقط به فراهم بودن عوامل تولید بستگی دارد، بلکه قبل از همه به بسیج این عوامل در جهت مقاصد تولید و ایجاد هماهنگی بین آنها نیز مربوط می‌شود.

#### الف - عامل کار

یکی از علائم مشخصه ممالک جهان سوم آن است که سطح اشتغال در بخش عمده‌ای از جمعیت قادر به کار این ممالک، بسیار پائین است. همچنین بازدهی کار به علت پائین بودن سطح دانش و قلت سرمایه‌گذاری سرانه و سایر عوامل بسیار اندک است. این بیکاری تنها به مناطق شهری محدود نمی‌شود بلکه به میزان قابل توجهی نیز در سطح روستاها گسترش می‌یابد. بخش عمده‌ای از جمعیت روستاها در ممالک در حال توسعه، ظاهراً شاغل هستند ولی با توجه به احتیاجات واقعی به نیروی کار، زائد می‌باشند و به همین دلیل نیز واژه بیکاری پنهان در مورد این دسته از شاغلین به کار می‌رود.

با توجه به مطالب یاد شده، سؤالی که مطرح

می‌شود اینست که آیا شرکت‌های تعاونی که خود هنوز در ممالک در حال توسعه از لحاظ کمی و کیفی و مخصوصاً از جهت کارآیی به پیشرفت عمده‌ای نایل نشده‌اند، قادر به تقلیل بیکاری و یا رفع آن هستند؟ مستقیماً، دولت‌ها در ممالک جهان سوم، قصد دارند تا از طریق سرمایه‌گذاری در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی، حتی الامکان از میزان بیکاری بکاهند و از طریق سازمانها و مؤسسات اجتماعی، امکانات جدیدی برای اشتغال اهالی، فراهم آورند.

با این حال، مشکلات مالی موجود باعث می‌شود تا اقدامات دولت‌ها در این زمینه به تعویق افتد و مانع از تأثیر گسترده و همه‌جانبه این اقدامات در جهت تدریجی مشکل بیکاری و پائین بودن سطح اشتغال گردد.

دراقتصاد روستایی واحدهای کوچک کشاورزی و صنایع دستی به دلیل فقدان وسایل و منابع لازم قادر نیستند با نیروها و امکانات خود، در جهت توسعه و اعتلای این واحدها، گام بردارند. از طریق تشریک مساعی جمعی در شرکت‌های تعاونی توأم با حمایت دولت، می‌توان این وسایل و امکانات را در اختیار آنها گذاشت. همچنین، سازمانهای تعاونی می‌توانند از طریق ایجاد شرایط مطلوب‌تر در محیط کار، استقرار درمانگاه در کارگاه، تأمین و تضمین نیروی کار و غیره تمایل به کار و کارآیی و بازدهی آنها را افزایش دهند.

#### ب - عامل زمین

اهمیت شرکت‌های تعاونی در خصوص

بستگی دارد و این درآمد نیز در ممالک جهان سوم، غالباً کمتر از حداقل لازم برای ادامه حیات است.

سرمایه‌ناچیز مردم، همیشه از عدم توانایی به پس‌انداز ناشی نمی‌شود، بلکه به طرز تفکر طبقات مختلف مردم نسبت به امر پس‌انداز نیز بستگی دارد. در اقتصاد روستائی، بزرگ مالکان پس‌انداز خود را به صورت نقد و یا جواهرات نگهداری می‌کنند. طبقه شهرنشین که قادر به پس‌انداز کردن است در اثر عرضه کالاهای جدید و به علت عادت به شیوه‌های زندگی وارداتی از خارج، روشی را دنبال می‌کند که بخودی خود تمایل به مصرف را بالا می‌برد.

شرکتهای تعاونی از این لحاظ دارای چه اهمیتی هستند؟

۱- شرکتهای تعاونی می‌توانند در میزان مصرف افراد و در نتیجه در میزان پس‌انداز، دخالت نموده و اعضاء را در این زمینه، راهنمایی کنند.

۲- وجوه کنار گذاشته شده را در یک صندوق، متمرکز و با انجام عملیات بانکی و اعتباری، موجبات سرمایه‌گذاری پس‌انداز را فراهم کنند.

۳- به علت اطلاع کاملی که تعاونیها از منطقه خود دارند، می‌توانند بهترین ترکیب را برای عوامل تولید در نظر گیرند و از این راه هزینه‌های تولید را کاهش دهند و در نتیجه به سود شرکت و ذخیره آن بیفزایند.

بهره‌برداری از زمین، مانند استفاده از عامل کار، به امکانات و شرایط کمی و کیفی مربوط می‌گردد. در این زمینه، تنها شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی مورد نظر است. بدیهی است امکانات کمی به گسترش سطح کشت و تهیه اراضی مزروعی جدید از طریق یکپارچه‌سازی اراضی، تبدیل جنگلها و بیشه‌زارها به زمین قابل کشت و بالاخره، ایجاد واحدهای زراعی جدید مربوط می‌شود.

اهمیت کیفی شرکتهای تعاونی نیز در مورد عامل زمین قابل توجه است. زیانهایی که در کشاورزی از نقطه نظر فرسایش یا بهره‌برداری یک جانبه پدید می‌آید، فوق‌العاده زیاد است. زیرا روستائیان در موقعیتی نبوده‌اند که بتوانند از طریق استفاده از روشهای علمی و فنی، بازدهی اراضی مزروعی را حفظ کنند و محصولات را از گزند آفات نباتی مصون بدارند. از اینرو شرکتهای تعاونی، قادرند گامهای عمده‌ای در ممالک در حال توسعه بردارند.

### ج - عامل سرمایه

مشکل اساسی توسعه ممالک جهان سوم، کمبود سرمایه است و این مسأله یک نوع دور تسلسل بوجود می‌آورد و منظور اینست که کمبود سرمایه، نه تنها علت فقر در این کشورهاست بلکه معلول فقر نیز هست. دلیل وجود چنین وضعیتی پائین بودن بازدهی سرمایه واقعی در این ممالک است و از منابع موجود نیز استفاده کافی نمی‌شود. حجم پس‌انداز همیشه به میزان درآمد

۴- شرکتهای تعاونی می‌توانند رابطه سالم‌تر و راحت‌تر و مؤثرتر از اعضاء خود به طور انفرادی، با مؤسسات اعتباری منطقه‌ای یا ملی برقرار سازند و اعتبار را از منابع مالی (دولتی یا خصوصی) اخذ و در اختیار اعضاء قرار دهند.

۵- شرکتهای تعاونی، می‌توانند از جهت مصرف منابع سرمایه نیز در افزایش تولید و درآمد به طور مستقیم و غیر مستقیم عمل نمایند.

#### نتیجه

به نظر می‌رسد سازمان کاملاً مشخصی که بتواند به اندازه‌ی تعاونیها در راستای اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد، کمتر یافت می‌شود. ولی میزان موفقیت تعاونیها مطمئناً به درجه کارائی عملی آنها وابسته است. از این نظر، تجربیات عملی مجرد، کفایت نمی‌کند. بنابراین لازم است که روشهای استفاده شده از طرف

ممالک مختلف برای توسعه تعاونیها از یک طرف و معتقدات، سنن و ساختار اجتماعی کشور، از طرف دیگر مورد مطالعه قرار گیرد تا تعاونی‌های ایجاد شده بتوانند سهم قابل ملاحظه‌ای در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور داشته باشند.

درعین حال، شرایط اساسی برای موفقیت تعاونیها اینست که:

اولاً، از قبل، زمینه‌ی آگاهی مردم نسبت به فعالیتهای تعاونی فراهم شده باشد.

ثانیاً، تعاونیها در مواردی ایجاد شوند که امکان فعالیت مفید و ثمربخش آنها وجود داشته باشد.

ثالثاً، دولت در ایجاد و تداوم فعالیت تعاونیها، به هدف قرار دادن آنها در راستای اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی، نظارت کافی داشته باشد.

منابع به زبان فارسی

- ۱) تعاون و علم اقتصاد، نشریه شماره ۷۸، وزارت تعاون و امور روستاها.
- ۲) طرح ریزی سازمانهای تعاونی، نشریه شماره ۵۷.
- ۳) نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد، نشریه شماره ۱۰۷.
- ۴) شرکتهای تعاونی و آموزش اساسی، نشریه شماره ۹۲.
- ۵) فقر پایدار، جورج. ل. پک فورد، ترجمه مهدی قراچه داغی
- ۶) گفتاری چند در مسائل رشد اقتصادی، آندره بیاتیه، تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.

منابع به زبانهای خارجی

- 1) A.F. Laidlaw , the mobilization of human resources for rural development through agricultural cooperatives. Rome , FAO, 1973.
- 2) L.Coutant , L'évolution du droit coopératif de ses origines depuis 1950 Reims , Matot – Braine 1985.
- 3) S.Kuznets , Economic growth and structure , New York , W.W.Norton and company, 1965.
- 4) S.Hearst , 2000 million poor , London , George G , Harrap and company ltd. 1965.
- 5) J. Kuhn and Stoffregen , Comment mesurer l'efficacité des coopératives dans les pays développés, Ed. cujas, paris 1983.